



۱۰

مترجمی که نظریه داشت

جشن کودکان ایرانی در مهر ۱۴۰۰



۱۲



۱۰

تاریخ هنر ایران از «علی گلستانه» به نیکی یاد خواهد کرد

فرهنگ

شنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۰ :: شماره ۶۰۴۹



رویداد روز

رویه عجیب نوبل ادبیات ادامه دارد



آذر مهجار

هنر و ادبیات

نوبل ادبیات بر اساس وصیت آلفرد نوبل قرار است به نویسنده‌ای اهدا شود که آثاری با گرایش‌های آرمانگرایانه خلق کرده باشد. اما رویه آکادمی سوئد در سال‌های اخیر در انتخاب برگزیده جایزه نوبل کمی عجیب بوده است. سال ۲۰۱۸ این آکادمی بعد از ۷۵ سال برای اولین بار هیچ برگزیده‌ای معرفی نکرد، چون آکادمی درگیر یک رسوایی اخلاقی شده بود.

ماجرای این قرار بود که آرنو، کارگردان و همسر یکی از اعضای کمیته داور، بر اساس گزارش رسانه‌های سوئد، طی چند سال، آرنو را که عضو آکادمی یا همسر و دختر اعضای آکادمی سوئد بوده‌اند، مورد آزار یا سوءاستفاده جنسی قرار داده بود. به‌جز این آرنو هفت بار نام برندگان آتی جایزه نوبل ادبیات را که باید مخفی می‌ماندند، لو داده و همچنین از سرمایه آکادمی استفاده شخصی کرده بود. سال بعد یعنی ۲۰۱۹ آکادمی دو برگزیده معرفی کرد که مساله سال قبل را پوشش دهد. اولگا توکارچوک لهستانی به عنوان برگزیده آکادمی برای سال ۲۰۱۸ معرفی شد و پتر هانتکه اتریشی برای سال ۲۰۱۹ اما باز هم انتخاب اعضا با حاشیه‌های بسیار همراه شد. هانتکه به دلیل سوابق نژادپرستانه، انتخاب شایسته‌ای برای جایزه ادبیات نوبل با رویکرد مرحوم آلفرد نوبل نبود و این انتخاب خشم خیلی‌ها را در سراسر جهان برانگیخت.

منتقدان هانتکه او را به‌خاطر مواضعش در مناقشه بالکان نبخشیده‌اند، چراکه او در این مناقشه جانب صرب‌ها را گرفت، حملات هوایی ناتو را محکوم کرد و در مراسم تدفین اسلوبودان میلوشویچ، رئیس‌جمهور یوگسلاوی سابق که متهم به جنایت جنگی بود، حاضر شد و حتی سخنرانی کرد. سال ۲۰۲۰ آکادمی سوئد، لوییز گلیک، شاعر آمریکایی را به عنوان برگزیده جایزه نوبل معرفی کرد. گلیک تا آن زمان شاعر معروفی در ادبیات آمریکا محسوب نمی‌شد. حالا خبر رسیده برنده جایزه ادبیات نوبل ۲۰۲۱ حاضری شده و این برگزیده نویسنده‌ای اهل تانزانیاست به نام عبدالرازق گورنا که احتمالا قبل از نوبل امسال، نامش به گوش بسیاری از علاقه‌مندان ادبیات هم نخورده بود، مانند بسیاری از برگزیدگان نوبل سال‌های اخیر که شعرا و نویسندگان کم نام و نشانی بودند. آکادمی سوئد اعلام کرده گورنا را به‌خاطر آثارش درباره تأثیرات استعمار و پیگیری سرنوشت پناهندگان و اثر آن در شکاف میان فرهنگ‌ها و قاره‌ها به عنوان برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۱ معرفی کرده است. نکته اینجاست که گورنا حتی خوابش را هم نمی‌دید به عنوان برگزیده نوبل انتخاب شود و حتی تماس تلفنی نماینده آکادمی را جدی نگرفته بود. سوال اینجاست آکادمی قصد دارد گستره انتخاب برگزیدگان را به قاره‌ها و کشورهای مختلف جهان بکشاند یا رشد حساسیت‌های جامعه جهانی درباره نقاط تاریک احتمالی در سوابق نویسندگان مطرح جهان، آکادمی را به سمت انتخاب‌های غیرقابل پیش‌بینی و نویسندگان شناخته نشده سوق داده است؟



علی رستگار

سینما

گرچه در ادامه از شکل و شمایل خارجی‌اش بهره مثبتی بردند و نقش گائوک، یار وفادار میرزا در «سردار جنگل» را به او دادند اما آنچه چهره منفی و خشن که او را در سینما تثبیت کرد، نقش سرهنگ در «ناخدا خورشید» بود؛ سردسته گروه تبعیدی‌ها که با آن سیبل و کلاه وسترنی و پوتین و البته نگاه‌های رعب‌آور اویسی، شمایل تهدیدکننده می‌یافت و هم با صداییشگی عطاء... کاملی که در چند فیلم دیگر به جای او صحبت کرد، میزان صلابت و خشونت شخصیت را بیشتر می‌کرد. ناصر تقوایی هم نمای اول حضور این شخصیت را با ارباب تدارک می‌بیند و ما سایه سرهنگ را روی زمین و روی شخصیت «دماغ» می‌بینیم و لحظاتی بعد با دیالوگ «بزن به چاک» رسماً از این تهدید رونمایی می‌شود.

تهدید سرهنگ برای شخصیت‌های بزرگ‌تر هم پابرجاست، چه وقتی بسگری‌نسب است. او بعد از ناخدا خورشید بار دیگر با سعید پورصمیمی همبازی می‌شود، منتهی جنس این همکاری در ساحت خیال و فانتزی اتفاق می‌افتد و از واقعیت به دور است. قصه فیلم درباره فردی به نام جعفر است که در تخیلات خود، دوستی آمریکایی به نام جو دارد. بهترین گزینه برای بازی در نقش جو، فتحعلی اویسی است که هم قد و قامت بلند و هم چشمان رنگی و هم عقبه تحصیل سینمایی‌اش در تگراس به کار چنین شخصیتی می‌آید. نکته جالب اینکه صداییشگی جو در فیلم را ایرج دوستدار به عهده داشت که دوبلور تقریباً ثابت جان وین در فیلم‌های وسترن بود. درواقع با این کار و اکت و بازی و تیپ اویسی، شمایل آمریکایی او در قصه تقویت می‌شد.

اویسی در «سرب» ساخته مسعود کیمیایی هم نقش منفی دیگری (باز هم با صدای عطاء... کاملی) به نام برقیل را بازی می‌کند که به‌عنوان قاتل سازمان هاگانا، سوهان روح قهرمانان قصه است. با این چالش و تفاوت که خود او هم می‌تواند طعمه بعدی خود سازمان باشد چون این عقوبت هر کس در آن مجموعه است که زیادی می‌داند. او ضمن اینکه باید تهدیدکننده باشد، حس ترس از تهدید و هر لحظه کشته‌شدن را هم به مخاطب منتقل می‌کند که این تناقض به‌خوبی در بازی اویسی مشخص است. این نقش‌آفرینی خوب هم او را نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد از جشنواره فیلم فجر می‌کند. باوجود اینکه اویسی هیچ‌گاه جایزه‌ای از جشنواره فیلم‌فجر به‌دست

نگاهی به کارنامه سینمایی فتحعلی اویسی که از نقش‌هایی منفی و خشن به نقشی کم‌دی چون آقای کاووسی رسید

خدا حافظی، بدون شرح!



صحنه‌ای از بازی زندگینامه اویسی در راهی جو

نقش دایی کارگردان را بازی کرد و حتی در همان حضور اندک هم تأثیر کاریزماتیک خود را برجا گذاشت. او که باز هم در شکل و شمایل آمریکایی و غربی و با آن دستمال گردن و سیگار برگ ظاهر می‌شود، دیالوگی خطاب به خواهرزاده‌اش به‌عنوان فیلمساز می‌گوید که اشاره به چالش بزرگ و همیشگی درباره مواجهه با ماجرای مرگ تختی دارد: «شنیدم می‌خواهی داستان تختی رو بسازی» تأکید او روی کلمه تختی، حالت نوعی طعنه هم دارد برای برداشتن این ورژنه دشوار.

چرخش به سمت طنز

اما بدون شک یکی از بهترین و مهم‌ترین بازی‌های اویسی در سینما، نقش سرهنگ سپهر در «مومیایی ۳» ساخته محمدرضا هنرمند است؛ نقش یک رئیس‌پلیس که مدام از دست عملکرد سروان قربانی (پرویز پرستویی) حرص می‌خورد. این شیوه بازی پیش‌درآمدی بر نقش چند سال بعد او در سریال «بدون شرح» و در قالب آقای کاووسی است و حتی بعضی از ویژگی‌ها همچون صحبت‌کردن به زبان عربی من‌درآوردی و به‌ویژه آن دیالوگ «و خلص من جميع المشكلات!» بعدها در آن مجموعه تقویت می‌شود.

البته اویسی پیش از اینکه به هیبت کاووسی درآید، ابتدا با هنرمند و برخی بازیگران مومیایی ۳ در سری دوم سریال «اکتوس» همکاری کرد؛ نقش و فضای که می‌شد باز هم اویسی را در آن ببینیم اما این کم‌دی خاص و روشنفکرانه با ذائقه مخاطبان عام جور در نمی‌آمد و اویسی را بیشتر به نقش‌هایی از جنس کاووسی و نوع دیگری از کم‌دی ساده‌پسندتر سوق داد.

گرچه تغییر شمایل اویسی در بازیگری با هنر و جسارت او به بهترین شکل در نقش کاووسی اتفاق افتاد اما پس از مدتی برخی فیلمسازان راحت‌طلب فقط از همین تیپ برای نقش‌های دیگر اویسی استفاده کرده و باعث شدند تنها نسخه‌های کم‌رنگ، کم‌کیفیت‌تر و تکراری کاراکتر کاووسی را ببینیم. در حالی که می‌شد حتی در فضای کم‌دی، بهره‌های بسیار بهتر و متفاوت‌تری هم از این بازیگر برد و برخی دیگر از توانایی‌های او را هم به مخاطبان معرفی کرد اما سینمایی که قدر هنرش در نقش‌های خشن و منفی را ندانست با استعداد کم‌دی او هم خوب تا نکرد.

نیابود اما همین نامزدی‌های دریافت سیمرغ در دو نقش مهم و در دو فیلم درخشان دو کارگردان بزرگ سینمای ایران، تقوایی و کیمیایی، چه‌بسا جایگاهی فراتر از جایزه داشت و تأیید تماشاگران و منتقدان برای اهمیت هنر اویسی کفایت می‌کرد. بازی اویسی به‌قدری در این دو فیلم خوب بود که دو کارگردان بزرگ و جریان‌ساز دیگر سینمای ایران هم برای همکاری سراغ او آمدند؛ داریوش مهرجویی و علی حاتمی. در حکایتی بازه و کمی نامتعارف، نقل است که قرار بود مهرجویی اواخر دهه ۶۰ نقش اصلی فیلمی جنایی و پلیسی به نام «کارآگاه بجیی» را به اویسی بسپارد اما به دلیل اینکه این بازیگر حاضر نشد سبیلش را بتراشد، این همکاری و اساساً ساخت آن فیلم منتفی شد؛ البته تقریباً در همان زمان اویسی اتفاقاً با سیبل دو نقش کوتاه جذاب و به یادماندنی برای مهرجویی بازی کرد؛ اولی در «هامون» و به نقش دکتر سروش که حاضر نمی‌شود تجهیزات پزشکی هامون را بخرد و بعد هم در سکانسی سرخوشانه سوار ویلچر می‌شود و میان پرسنل بیمارستان چرخ می‌زند و دومی هم در «بانو» در نقش طلبکاری به نام حیدر که شبانه قربان‌سالار (عزت...) انتظامی را غافلگیر می‌کند و بعد از یک برف‌بازی، طلب‌هایش را از اموال دیگری (شخصیت بانو) وصول!

گرچه نقش او در «دلشدگان» ساخته علی حاتمی خیلی مهم و چالش‌برانگیز نبود اما باز هم شکل و شمایل فرنگی‌اش به کار آمد و نقش موسیو ژولی را بازی کرد؛ همان که اوایل فیلم با احمدشاه دیدار می‌کند و تلگرافی حرف می‌زند. ضمن اینکه همکاری با حاتمی، افتخاری برای اویسی بود و کارنامه او را معتبرتر کرد. نمی‌دانیم آیا اویسی جزو انتخاب‌های حاتمی برای فیلم «چهار پهلوان تختی» بود یا نه اما بعدها در نسخه متفاوت فیلم که بهروز افخمی آن را به سرانجام رساند در سکانسی

غرفه ایران در نمایشگاه باکو، بیشترین نسخه‌های آثار نظامی را نمایش داد



غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب باکو با ۳۰۰ عنوان کتاب و بیشترین آثار درخصوص نظامی گنجوی مورد توجه نویسندگان و فرهیختگان جمهوری آذربایجان و سایر کشورها قرار گرفت. به گزارش جام‌جسم و به نقل از روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب باکو با حضور ۱۶۴ ناشر داخلی و خارجی ۱۴مهر، ۱۴۰۰ گشایش یافت. در این نمایشگاه علاوه بر کشورمان، ۴۳ ناشر از کشورهای دیگر نیز حضور دارند. معرفی آثار «نظامی گنجوی» این شاعر پراوازه یکی از اهداف هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب باکو اعلام شده است.

کتاب: زبان مشترک همه ملل

سیدعباس موسوی (سفیر ایران در جمهوری آذربایجان) با اشاره به این‌که غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران با عناوین بسیار متنوع در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب باکو حضور دارد، اظهار کرد: کتاب به عنوان پل فرهنگی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بوده و تنها زبان مشترک همه ملل به شمار می‌رود.

رونمایی از «هفت‌پیکر» نظامی

علی احمداف، معاون نخست‌وزیر جمهوری آذربایجان و آثار کریم‌اف، وزیر فرهنگ جمهوری آذربایجان با حضور در غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران از کتاب‌های نفیس چاپ کشورمان بازدید کردند. همچنین در این بازدید از کتاب «هفت‌پیکر» به زبان ترکی آذری باحضور سفیر جمهوری اسلامی ایران در این کشور رونمایی شد.

ایران و آذربایجان تعلقات بسیاری دارند

آثار کریم‌اف، وزیر فرهنگ جمهوری آذربایجان در بازدید از غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران در هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب باکو گفت: حضور دوستان و همسایگان در این نمایشگاه مایه مسرت و خوشحالی ماست. ایران و آذربایجان تعلقات بسیاری دارند و باید از این فرصت‌های بزرگ برای نزدیک‌شدن بیشتر به هم استفاده کنیم.

قربانعلی پورمرجان، رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو نیز درخصوص این نمایشگاه بیان کرد: غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران که با همت خانه کتاب و ادبیات ایران و با همکاری رایزنی فرهنگی برپا شده توانسته بیشترین آثار و نسخه‌های مربوط به نظامی گنجوی را به نمایش بگذارد که باعث حیرت معاون نخست‌وزیر جمهوری آذربایجان و وزیر فرهنگ این کشور شد.

این نمایشگاه پنج‌روزه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی آکسپو در باکو دایر شده است.